

به کجا چنین شتابان؟

پیرامون مصاحبه های اخیر عمر ایلخانی زاده

از حقیقت، ارگان حزب کمونیست ایران(م ل م)، شماره 10، تیر ماه 1382

اخیرا یکی از اعضای کمیته مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان(کومله) به نام آقای عمر ایلخانی زاده، طی مصاحبه با رادیوهای کردی و فارسی زبان خارج از کشور اعلام کرد که وی یک ماه قبل از حمله نظامی آمریکا به عراق با مقاماتی از وزارت خارجه آمریکا دیدار داشته و به نیابت از طرف کومله از دولت آمریکا درخواست برقراری رابطه رسمی کرده است. او در توجیه این مسئله اعلام کرد که رابطه با دولت آمریکا مشابه رابطه ای است که کومله طی بیست سال اخیر با دولت عراق داشته است. مضافا او سیاست و تبلیغات علیه جنگهای تجاوزکارانه آمریکا را خلاف مصالح کومله دانسته و گفت، آن سیاست ضد امپریالیستی که فراخوان تظاهرات در دیار بکر و سلیمانیه و سنج علیه آمریکا می دهد، سیاستی احمقانه است و برای مردم کرد مرگبار است.

اما باید بگوئیم که سیاست خود کومله غلط است. این سیاست نه تنها غلط است، بلکه برای جنبش کردستان و جنبش چپ ایران زهرآگین و خطرناک است. ما در شماره قبل نشریه حقیقت در مقاله «کومله بر سر دوراهی» پایه های تئوریک و سیاسی نظرات کومله در رابطه با تجاوز آمریکا به عراق را نقد کردیم. در آن زمان بنظر می رسید که حرص و جوش آقای ایلخانی زاده برای آنست که می خواهد از «حق کردهای عراق» در استفاده از تضاد بوش و صدام، حمایت کند. اما معلوم شد که ایشان داشتند برای خودشان تدارک می چیدند و مسئله زیاد هم ربطی به کردهای عراق نداشت. در واقع آقای ایلخانی زاده برای اعلان سمتگیری سیاسی جدید کومله خلق افکار و زمینه چینی می کرد؛ خود را برای سخنرانی در مورد «حق کومله» برای نزدیکی با امپریالیسم آمریکا آماده می کرد.

آقای ایلخانی زاده تلاش می کند سیاست جدید کومله را با قرینه سازی تاریخی توضیح دهد. وی می گوید چون کومله در گذشته با دولت عراق رابطه داشته اکنون هم می تواند با آمریکا رابطه برقرار کند. این استدلال نیست، بلکه فریبکاری است. جمع بندی غلط و وارونه از تاریخ کردستان است. آقای ایلخانی زاده طوری بحث می کند که انگار رابطه با عراق مزیتی برای کومله داشته است. در حالیکه اتکاء به دولتهای ارتجاعی منطقه یکی از نقطه ضعفهای تاریخی جنبش کردستان بوده است. همواره، بخشهایی از جنبش کردستان سعی داشت که تحت عنوان «دشمن دشمن من دوست من است» بر شکافهای میان دولتهای ارتجاعی که کردستان بین آنها تقسیم شده، تکیه زند و از این طریق به اهداف خود دست یابد. قطعاً روزی باید بطور همه جانبه به تاثیرات منفی این سیاست - مشخصا در رابطه با جنبش انقلابی خلق کرد در ایران - پرداخت. غالباً اتخاذ سیاست استفاده تاکتیکی از تضادهای میان دشمنان توسط نیروهای کرد، موجب تضعیف اتکاء این جریانات به

توده ها شده و در ادامه موجب ترك جهتگيريهاي انقلابي شان شده است. يكي از دلایل عقبگردهاي كومه بويژه در زمينه پيشبرد مبارزه مسلحانه اين بود كه بيش از اندازه خود را به شكاف ميان دولت ايران و عراق متكي كرد و زماني كه اين شكاف بسته شد با محدوديتهاي بسيار روبرو شد و نتوانست اين شكل از مبارزه را ادامه دهد. آقاي ايلخاني زاده اين نقطه ضعف تاريخي جنبش كردستان را به سطح يك فضيلت ارتقاء مي دهد.

اما مشكل فقط اين نيست. مسئله اين است كه قياس بين ايندو رابطه قياسي مع الفارق است. همگان مي دانند كه فرق كيفي بين دو دولت آمريكا و عراق است. شكاف بين ايران و عراق، شكاف بين دو نوكر مفلوك بود؛ شكاف بين آمريكا و عراق يا آمريكا و ايران شكاف بين يك ارباب با نوكر است. اربابي كه توانائي، قدرت و امكانات آنرا دارد كه تحت شرايط معين، نوكري را بردارد و نوكري ديگر جايش بگذارد. اربابي كه نقش تعيين كننده در سياست و اقتصاد كشوري مثل ايران دارد و امروزه دخالت مستقيم وي در صحنه سياست ايران، معاني مشخصي براي مردم ايران و جنبش انقلابي ايران دارد. چشم بستن بر اين واقعيت، چشم بستن بر اوليه ترين اصول سياست در جهان امروز است.

دولت عراق برنامه و سياستش اين نبود كه ايران را تبديل به مستعمره خود كند و توان آنرا نيز نداشت كه صحنه سياسي آنزمان جامعه ايران را حول طرفداري يا ضديت با عراق قطبي كند. رابطه اي هم كه آنزمان دولت عراق با اپوزيسيون ايراني برقرار كرد الزام سياسي خاصي را براي اپوزيسيون بوجود نمي آورد. هيچ گروهی ملزم نبود كه اريبابي خود را از ماهيت ارتجاعی جنگ بين ايران و عراق تعديل كند. البته عراق مانند هر دولت ارتجاعی تلاش مي كرد احزاب و گروههایی را به خود وابسته كند و اين اساسا به خط مشی هر جرياني ربط داشت كه چگونه با اين مسئله مقابله كند. جرياناتي مانند مجاهدين اين مسير را تا آخر پيمودند و نتيجه اش را امروز مي بينند.

سياستهای پراگماتيستي هيچگاه عاقبت خوشي ندارند. اما برقراري رابطه با دولت آمريكا آن هم در شرايط كنوني از سنخ ديگري است و در چارچوبه اوضاع سياسي كاملا متفاوتي مطرح است. اوضاعی كه مشخصه اصليش اعلان جنگ دولت آمريكا به مردم همه دنيا و بخصوص به مردم كشورهاي خاورميانه است. آمريكا اين بزرگترين دولت تروريستي دنيا به همه اعلان کرده كه يا با من هستيد يا عليه من. در چنين چارچوبه اي روشن است كه برقراري رابطه دوستانه با اين دولت چه معنایی دارد. پيش شرط چنين رابطه اي خاك پاشيدن بر ماهيت جنگ ارتجاعی و تجاوزكارانه آمريكا عليه عراق است. حمايت ضمنی جنگ جنايتكارانه آمريكا و نفي نيروهاي ضد امپرياليست و دوري جستن از جنبشهاي ضد جنگ در جهان است. كاري كه رهبران كومه در طول جنگ كثيف آمريكا عليه عراق، انجام دادند.

كومه مي خواهد تماس با آمريكا را به يك رابطه ديپلماتيك معمولي تقليل دهد. حال آنكه هر تصميمي ولو جزئي (كه البته چندان هم جزئي نيست) را بايد در چارچوبه اوضاع سياسي كلي مورد

ارزیابی قرار دهیم. برقراری هرگونه رابطه با آمریکا معنایی ندارد جز اعلان دوستی با آمریکا در جنگی که علیه مردم دنیا و بخصوص مردم خاورمیانه راه انداخته است..

امروزه آمریکا به دخالت کاملا مستقیم و آشکار در ایران پرداخته و این دخالت ممکنست شکل نظامی هم به خود بگیرد و منجر به اشغال استعماری ایران شود. آمریکا تلاش دارد صحنه سیاسی ایران را بگونه ای شکل دهد که هوراکشان و نوکران آمریکا تقویت شوند. کومله هر نیتی که داشته باشد، سیاستی که اتخاذ کرده به لحاظ عینی تاثیری جز تقویت دست آمریکا ندارد. سیاست مرگبار نزدیکی با بزرگترین دشمن مردم دنیا پتانسیل آنرا دارد که بکلی ماهیت سیاسی کومله بعنوان یک نیروی خلقی را عوض کند.

آقای ایلخانی زاده دچار نخوت شده و با ذهنی گرائی و قیاس نادرست فکر می کند در موقعیت احزاب کردستان عراق قرار دارد و آمریکا در فردای تحولات ایران قدرت سیاسی در کردستان را به دست آنان خواهد سپرد. اما نه موقعیت کومله مانند دو حزب حاکم بر کردستان عراق است و نه ذهنیت توده های مردم کردستان ایران مانند کردستان عراق است. در کردستان ایران روحیه و آگاهی ضد امپریالیستی بسیار بالاست و اینگونه سیاستهای پرو امپریالیستی به آسانی از سوی توده های کرد پذیرفته نمی شود. وانگهی آمریکا بی دلیل کسی را بعنوان دستیار خویش قبول نمی کند. دو حزب حاکم بر کردستان عراق بارها وفاداری خود را به آمریکا ثابت کرده اند. آنها آمریکا و ارتش ترکیه را در سرکوب جنبش کردستان ترکیه یاری دادند. دولت خودمختار فئودالی تحت حمایت آمریکا را طبق معیارهای آمریکائی جلو بردند، روحیه نوکرمنشی را دامن زدند، مناسبات ستمگرانه و استثمارگرانه در کردستان عراق را دست نخورده باقی گذاشتند، بی حقوقی زنان را تشدید کردند و آمادگی خود را برای شرکت در هر نوع جنگ سالاری و همراهی با ارتش آمریکا نشان دادند. بدون از سرگذراندن چنین آزمایش هائی، امپریالیسم آمریکا راه را برای قدرت گیری هیچ نیروئی باز نمی کند. آقای ایلخانی زاده !! از نظر دولت آمریکا فقط کافی نیست که از پشت رادیو تلویزیون از بد نامی کمونیسم صحبت کنید. از شعار حق تعیین سرنوشت برای ملل ستمدیده در ایران دست بکشید.

باید به دست نشا نده گان وفادار آمریکا تبدیل شوید. آیا حاضرید؟ چنین مبادا! رهبران کومله اعلان علنی رابطه با بزرگترین دولت تروریستی جهان را جزو شجاعتهای خود وانمود می کنند حال آنکه این شجاعت نیست، این عوامفریبی است. هر کسی که با سیاست در دنیای کنونی آشنا باشد می داند که آمریکا از کلیه نیروهای سیاسی که پیشینه و پشتوانه مردمی دارند و با وی طرح دوستی میریزند، می خواهد که این رابطه را علنی کنند. این یکی از اولیه ترین خواسته های دولت آمریکاست چرا که طرح آن تبلیغی برای سیاستهای آمریکا در مقطع کنونی است. آمریکا می خواهد نیروهایی مثل کومله را که دارای پیشینه مردمی و انقلابی اند شاهد بگیرد که جنگهای تجاوزکارانه و استعماری اش برای مردم کردستان و دیگر نقاط خاورمیانه منشاء خیر و برکت است. آقای ایلخانی زاده آیا حاضرید چنین شهادت دروغینی را بدهید؟

به این مسئله هم توجه داشته باشید که امروزه دوم خردادیهایی ورشکسته هم به تبلیغ برقراری رابطه با آمریکا پرداخته اند. یعنی همان کسانی که سالها همراه با امثال خمینی و خامنه ای و رفسنجانی پست ترین اشکال خدمت به امپریالیسم را زیر زشت ترین هیاهوهای ضد امپریالیستی پنهان می کردند.

کومله سیاست برقراری رابطه با آمریکا را واقع بینی قلمداد می کند. اما این، اوج کوتاه بینی پراگماتیستی و محدودنگری ناسیونالیستی است. کوتاه بنیانه است زیرا اهداف واقعی و منافع درازمدت خلق کرد را فدای کسب امتیازات حقیر و واهی می کند. محدودنگرانه است زیرا نه تنها چشمش را بر واقعیات و صفتیهایی سیاسی که در جهان امروز شکل گرفته می بندد بلکه تصویری به غایت تنگ نظرانه و نادرست از صف بندی ملی و طبقاتی در کردستان و دوستان و دشمنان ملت کرد ارائه می دهد. کومله مبارزه ملی را از مبارزه ضد امپریالیستی جدا می کند، مبارزه ضد امپریالیستی را که از ارکان انقلاب دموکراتیک نوین است حذف می کند و امپریالیسم را که عامل اصلی ستمگری ملی است تطهیر می کند. تمام این اصولی که کومله یک به یک حذف می کند و به سخره می گیرد، از اصول خدشه ناپذیر بنیانگذاران کومله بود. آقای ایلخانی زاده، بنظر می رسد که شما همه رشته های پیوندتان را با منش سیاسی و ایده آلهای کومله قدیم بریده اید تا دست و بالتان برای اینکارها باز باشد. تاسف بار است.

و اسفبارتر آن که امروزه کومله بسیاری از تئوریهایی و سیاستهای خود را برای خوش آمدن اربابان جهان تنظیم می کند. از فدرالیسم گرفته تا طرفداری از سوسیال دموکراسی آبروباخته، از چراغ سبز نشان دادن به سلطنت طلبان گرفته تا چراغ سبز دادن به جناح دوم خرداد جمهوری اسلامی، از مسخره کردن مبارزات ضد امپریالیستی گرفته تا تبلیغات ضد کمونیستی، همه و همه نشانه سراسیمگی است که کومله بر آن گام نهاده است. امثال آقای ایلخانی زاده دیر آمده می خواهند زود برسند. اینها بتازگی از مارکسیسم و چپ بریده اند ولی سریع می خواهند به مناسبات جهانی پیوند بخورند. بی خبر از آنکه اینکار آنقدرها هم آسان نیست و سرشان به سنگ خواهد خورد. بویژه آنکه

ما شاهد اعتلای نوینی در جنبش انقلابی در کردستان و سراسر ایران هستیم. ما به رهبران کومله هشدار می دهیم اتخاذ این سیاست غلط که مرز بین دوستان و دشمنان مردم را مخدوش می کند، عواقب ناگواری برای جنبش کردستان، جنبش سراسری مردم ایران و جنبش چپ ایران خواهد داشت. ما بطور جدی از آنان می خواهیم که دست از این سیاست بردارند. ما به تمامی نیروهای انقلابی و چپ ایران فراخوان می دهیم که به افشای این سیاست بپردازند. ما از مردم کرد بویژه از دانشجویان مبارز کردستان می خواهیم در کنار شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» شعارهایی مانند «این جنبش دانشجویان نه جنبش آمریکا»، «نه آمریکا، نه جمهوری اسلامی» را جای دهند و مرز روشنی با نیروها و جریاناتی که می خواهند آمریکا را دوست مردم کرد جلوه دهند

بکشند. ما از آنان مي خواهيم که با طرح شعارهاي ضدامپرياليستي، مبارزه عليه رژيم جمهوري اسلامي را بطور مشخص در کردستان عمق بخشند؛ و بدین ترتیب مانع به قهقرا رفتن کومله نیز بشوند.